



شاهرگ یا اهرم؟





بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، روزانه به‌طور میانگین حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند که معادل حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت و نزدیک به یک چهارم تجارت دریایی نفت جهان است.



دکتر نصیر جینور
پژوهشگر روابط بین‌الملل

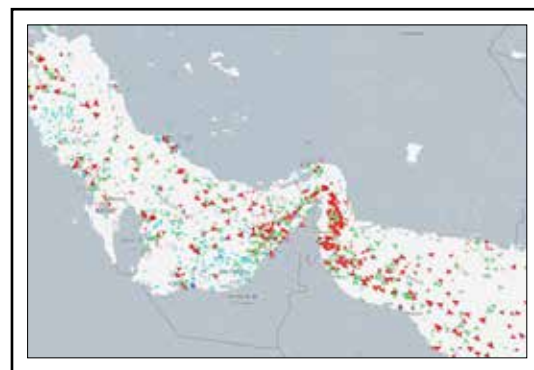
چکیده

تنگه هرمز به‌عنوان مهم‌ترین گلوگاه انرژی جهان، نقشی تعیین‌کننده در امنیت انرژی بین‌المللی و معادلات ژئواکونومیک معاصر ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشراف جغرافیایی بر بخش شمالی این آبراه، از ظرفیت قابل توجهی برای اثرگذاری بر بازار جهانی انرژی برخوردار است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های نهادهای معتبر بین‌المللی انرژی، به بررسی نقش تنگه هرمز در افزایش هزینه‌های نظم تحریمی ایالات متحده علیه ایران می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله آن است که چگونه موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در تنگه هرمز می‌تواند بخشی از کارایی سیاست «فشار حداکثری» آمریکا را محدود سازد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وابستگی ساختاری اقتصاد جهانی به انرژی عبوری از تنگه هرمز (حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت) و تمرکز تقاضا در آسیا (بیش از ۸۶ درصد مقاصد) موجب شده است ایران با تکیه بر تهدید مختل‌سازی این آبراه، نوعی بازدارندگی ژئواکونومیک در برابر فشارهای اقتصادی آمریکا ایجاد کند. در نتیجه، تنگه هرمز نه تنها یک مسیر جغرافیایی، بلکه ابزاری راهبردی در معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

در جهان معاصر، انرژی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی و رقابت ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی می‌تواند بر موازنه قدرت جهانی تأثیر مستقیم بگذارد. در این چارچوب، تنگه هرمز به‌عنوان حیاتی‌ترین گذرگاه انرژی جهان، جایگاهی ویژه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دارد. این آبراه راهبردی که خلیج فارس را به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می‌کند، مسیر انتقال بخش مهمی از نفت خام و گاز طبیعی جهان است. بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، روزانه به‌طور میانگین حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند که معادل حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت و نزدیک به یک چهارم تجارت دریایی نفت جهان است.^۱ این میزان وابستگی اقتصاد جهانی به تنگه هرمز سبب شده است که هرگونه بحران امنیتی در این منطقه، بلافاصله بازارهای جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار دهد. پس از خروج دولت دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و آغاز سیاست «فشار حداکثری»، آمریکا تلاش کرد صادرات نفت ایران را به حداقل برساند و از طریق فشار اقتصادی، رفتار منطقه‌ای و هسته‌ای تهران را تغییر دهد. با این حال، اهمیت ژئواکونومیک تنگه هرمز موجب شده ایران همچنان ظرفیت اثرگذاری بر امنیت انرژی جهان را حفظ کند.

1- International Energy Agency [IEA], 2026, p. 1; U.S. & Energy Information Administration [EIA], 2026, c, para.1





اقتصادی، محدودسازی تجارت انرژی و کنترل مسیرهای انتقال کالا از جمله ابزارهای ژئواکونومیک قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شوند. ایالات متحده طی سال‌های اخیر تلاش کرده از طریق تحریم‌های نفتی و مالی، اقتصاد ایران را تحت فشار قرار دهد. در مقابل، ایران نیز با اتکا به موقعیت جغرافیایی خود در تنگه هرمز کوشیده است نوعی «بازدارندگی ژئواکونومیک» ایجاد کند؛ به این معنا که با افزایش هزینه‌های اقتصادی سیاست «فشار حداکثری» برای آمریکا و اقتصاد جهانی، از شدت تحریم‌ها بکاهد.



روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از منابع معتبر بین‌المللی نظیر اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و گزارش‌های بازار جهانی نفت گردآوری شده است. روش تحلیل بر پایه بررسی داده‌های ثانویه و تحلیل روندهای مرتبط با امنیت انرژی، تحریم‌های اقتصادی و جایگاه ژئوپلیتیکی تنگه هرمز است.



اهمیت ژئواکونومیک تنگه هرمز

تنگه هرمز مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود. کشورهای عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، کویت و قطر بخش عمده صادرات نفت و گاز خود را از طریق این آبراه انجام می‌دهند. داده‌های سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که عربستان سعودی با ۳۱/۴ درصد (۶/۲۳ میلیون بشکه در روز)، عراق با ۱۸/۳ درصد (۳/۶۳ میلیون بشکه در روز) و امارات متحده عربی با ۱۶/۳ درصد (۳/۲۴ میلیون بشکه در روز) بیشترین سهم را از نفت عبوری از تنگه هرمز داشته‌اند. سهم ایران نیز ۱۲/۱ درصد (۲/۴۱ میلیون بشکه در روز) بوده است (IEA, 2026, p. 2).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که تنگه هرمز چگونه می‌تواند به‌عنوان اهرم ژئواکونومیک ایران در برابر نظم تحریمی ایالات متحده عمل کند؟ فرضیه مقاله بر این اساس استوار است که وابستگی اقتصاد جهانی به انرژی خلیج فارس و محدودیت مسیرهای جایگزین انتقال انرژی، موجب شده ایران بتواند از موقعیت جغرافیایی خود برای افزایش هزینه‌های سیاست تحریمی آمریکا استفاده کند.



مبانی نظری پژوهش

چارچوب تحلیلی این پژوهش بر پایه پیوند میان ژئوپلیتیک و ژئواکونومی استوار است. ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار سیاسی دولت‌ها و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل می‌پردازد. نظریه‌پردازانی نظیر هالفورد مکیندر (Halford Mackinder) و آلفرد ماهان (Alfred Mahan) معتقد بودند که کنترل مناطق و مسیرهای راهبردی می‌تواند قدرت دولت‌ها را افزایش دهد. در این چارچوب، تنگه هرمز نمونه‌ای از یک «گلگاه ژئوپلیتیکی» است که امنیت و ثبات آن بر اقتصاد جهانی اثر مستقیم دارد. در دهه‌های اخیر، مفهوم ژئواکونومی نیز اهمیت فزاینده‌ای یافته است. ژئواکونومی به استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تحقق اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی اشاره دارد (Luttwak, 1990, p. 17). تحریم‌های

2- Mackinder, 1904, p. 421; Mahan, 1890, p. 25





■ اقتصادهای آسیایی بیشترین وابستگی را به نفت عبوری از تنگه هرمز دارند. این وابستگی عمیق، یکی از ارکان اصلی بازدارندگی ژئواکونومیک ایران را تشکیل می‌دهد؛ زیرا قدرت‌های بزرگ آسیایی را به بازیگرانی محتاط در قبال بحران‌های احتمالی تبدیل می‌کند.

جدول شماره (۱): سهم تنگه هرمز در تجارت جهانی انرژی (۲۰۲۵)

منبع	درصد	میزان	شاخص
	18.9 درصد از تقاضای جهانی نفت	19.87 میلیون بشکه	نفت عبوری روزانه IEA, 2026, p. 1
	--	حدود 25%	سهم از تجارت دریایی نفت جهان EIA, 2026c, para. 1
	--	حدود 20%	سهم از مصرف جهانی نفت EIA, 2026c, para. 1
	28.3 درصد از کل نفت عبوری	5.4 میلیون بشکه در روز	سهم چین از نفت عبوری IEA, 2026, p. 3



این ارقام نشان می‌دهد که هرگونه اختلال در تنگه هرمز می‌تواند به افزایش شدید قیمت انرژی، اختلال در زنجیره تأمین جهانی و بی‌ثباتی بازارهای مالی منجر شود. از منظر ژئواکونومیک، تنگه هرمز یک «گلوگاه راهبردی» محسوب می‌شود؛ زیرا ظرفیت مسیرهای جایگزین انتقال انرژی بسیار محدود است. برآورد می‌شود در شرایط بحران، حداکثر حدود ۲/۶ میلیون بشکه در روز بتوان از طریق خطوط لوله زمینی عربستان (خط لوله شرق-غرب به طول ۱۲۰۰ کیلومتر با ظرفیت اسمی ۵ میلیون بشکه) و امارات (خط لوله ابوظبی به فجیره با ظرفیت ۱/۸ میلیون بشکه) مسیر تنگه هرمز را دور زد که در مقایسه با حجم عظیم نفت عبوری (حدود ۲۰ میلیون بشکه) ناچیز است (EIA, 2026c, para. 4).



تحریم‌های آمریکا و بازدارندگی ژئواکونومیک ایران

تحریم‌های اقتصادی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سیاست خارجی آمریکا علیه ایران بوده است. با وجود فشارهای گسترده، این سیاست نتوانسته اهداف راهبردی خود را به‌طور کامل محقق سازد. یکی از دلایل اصلی این مسئله، نقش ژئوپلیتیکی ایران در تنگه هرمز است. ایران از این موقعیت برای ایجاد نوعی بازدارندگی

از سوی دیگر، اقتصادهای بزرگ آسیایی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی وابستگی شدیدی به نفت عبوری از این منطقه دارند. بر اساس جدول شماره (۱) در سال ۲۰۲۵، سهم چین از نفت عبوری این تنگه حدود ۲۸/۳ درصد (۵/۴ میلیون بشکه در روز) و سهم هند حدود ۱۴/۷ درصد (۲/۸ میلیون بشکه در روز) بوده است (IEA, 2026, p. 3). در مجموع، ۸۶/۴ درصد از نفت عبوری از تنگه هرمز به مقاصد آسیایی ارسال می‌شود (IEA, 2026, p. 1).



جدول شماره (۲): کاهش انتقال نفت از تنگه هرمز در بحران ۲۰۲۶ (منبع: EIA, 2026c, p. 2)

دوره زمانی	میزان انتقال نفت (میلیون بشکه در روز)	تغییرات
سه ماهه پایانی ۲۰۲۵	۲۰/۷	مبنای مقایسه
سه ماهه نخست ۲۰۲۶	۱۴/۶	کاهش ۲۹/۵ درصدی

ژئواکونومیک استفاده کرده است؛ به این معنا که هرگونه تلاش برای محدودسازی صادرات نفت ایران، با پاسخ نامتقارنی مواجه خواهد شد که امنیت صادرات انرژی سایر کشورهای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اثربخشی این بازدارندگی در تحولات سال‌های اخیر به وضوح قابل مشاهده است. با وجود تشدید تحریم‌ها، صندوق بین‌المللی پول (IMF) در گزارش ژوئیه ۲۰۲۵ خود، پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۵ را دو برابر کرد و از ۰/۳ درصد به ۰/۶ درصد افزایش داد (International Monetary Fund [IMF], 2025, p. 4). این تعدیل صعودی نشان‌دهنده تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر شوک‌های خارجی و تا حدودی ناشی از توانایی تهران در خنثی‌سازی بخشی از اثرات تحریم‌ها از طریق اهرم‌های ژئواکونومیک مانند تهدید امنیت تنگه هرمز است. این بازدارندگی در سال ۲۰۲۶ به اوج خود رسید. به گزارش EIA و براساس جدول شماره (۲)، در پی تشدید تنش‌ها و متعاقباً انسداد عملی تنگه هرمز در سه ماهه اول سال ۲۰۲۶، جریان نفت عبوری از

این آبراه با کاهشی نزدیک به ۳۰ درصد روبه‌رو شد و از ۲۰/۷ میلیون بشکه در روز در سه ماهه پایانی ۲۰۲۵ به ۱۴/۶ میلیون بشکه در روز رسید (EIA, 2026c, p. 2). انسداد این مسیر، صرف‌نظر از منشاء آن، شوکی عظیم به بازارهای جهانی وارد کرد و به‌عنوان هشدار ملاموس در مورد هزینه‌های بالقوه تداوم سیاست‌های تقابل آمیز علیه ایران عمل نمود. در نتیجه این اختلال، قیمت نفت برنت با افزایش چشمگیر روبه‌رو شد و انتظار می‌رفت در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۶ به میانگین ۱۰۶ دلار در هر بشکه برسد. (EIA, 2026a, p. 2; 2026b, p. 1) EIA هشدار داده است که اگر اختلال در تنگه هرمز تنها یک ماه به طول انجامد، قیمت نفت می‌تواند بیش از ۲۰ دلار در هر بشکه نسبت به پیش‌بینی‌های پایه افزایش یابد (EIA, 2026a, p. 1). این ارقام نشان می‌دهد که تهدید تنگه هرمز، فارغ از اجرایی شدن کامل آن می‌تواند هزینه‌های هنگفتی را به اقتصاد جهانی و به‌طور خاص به مصرف‌کنندگان انرژی در آمریکا و متحدانش تحمیل کند و عملاً کارایی سیاست «فشار حداکثری» را با محدودیت مواجه سازد.

جدول شماره (۳): سهم کشورهای آسیایی از نفت عبوری تنگه هرمز ۲۰۲۵ (تخمین مبتنی بر داده‌های IEA, 2026, p. 1)

کشور	سهم از کل نفت عبوری (درصد)	میانگین حجم (میلیون بشکه در روز)
چین	۲۸/۳	۵/۴
هند	۱۴/۷	۲/۸
ژاپن	۱۱ تقریباً	۲/۲ تقریباً
کره جنوبی	۱۱ تقریباً	۲/۲ تقریباً
سایر آسیا	۲۱ تقریباً	۴/۰ تقریباً
مجموع آسیا	۸۶ تقریباً	۱۶/۵



نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در تنگه هرمز، ظرفیت قابل‌توجهی برای ان‌گداری بر امنیت انرژی جهانی ایجاد کرده است. این مسئله سبب شده که سیاست «فشار حداکثری» آمریکا با محدودیت‌های ساختاری مواجه شود. وابستگی اقتصاد جهانی (بویژه اقتصادهای آسیایی) به نفت و گاز عبوری از این آبراه و نبود مسیرهای جایگزین عملی، به ایران این امکان را می‌دهد که با تکیه بر تهدید مختل‌سازی این گلوگاه، هزینه‌های تحریم‌ها را به طرز چشمگیری افزایش دهد. اگرچه تحریم‌های اقتصادی آمریکا فشارهای گسترده‌ای بر اقتصاد ایران وارد کرده است، اما بازدارندگی ژئواکونومیک مبتنی بر تنگه هرمز، یک «توقفگاه راهبردی (Strategic Stop)» در برابر تشدید نامحدود این فشارها ایجاد کرده است. بحران سال ۲۰۲۶ به خوبی نشان داد که حتی اختلال موقت در این آبراه می‌تواند قیمت‌های جهانی انرژی را به سطوحی بی‌سابقه برساند و خسارات سنگینی به اقتصاد کشورهای مصرف‌کننده، از جمله متحدان آمریکا، وارد آورد. در نتیجه، تنگه هرمز برای ایران صرفاً یک آبراه جغرافیایی نیست، بلکه ابزاری راهبردی در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود. تا زمانی که اقتصاد جهانی به انرژی خلیج فارس وابسته باشد، تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی ایران در برابر نظم تحریمی ایالات متحده باقی خواهد ماند.



وابستگی اقتصادهای آسیایی به تنگه هرمز

اقتصادهای آسیایی بیشترین وابستگی را به نفت عبوری از تنگه هرمز دارند. این وابستگی عمیق، یکی از ارکان اصلی بازدارندگی ژئواکونومیک ایران را تشکیل می‌دهد؛ زیرا قدرت‌های بزرگ آسیایی را به بازیگرانی محتاط در قبال بحران‌های احتمالی تبدیل می‌کند. در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، سهم کشورهای آسیایی از نفت خام و میعانات گازی عبوری از تنگه هرمز به ۸۹ درصد رسید (IEA, 2026, p. 1). جدول شماره (۳) سهم پنج اقتصاد بزرگ آسیایی را نشان می‌دهد: این وابستگی شدید به این معناست که هرگونه تهدید جدی علیه امنیت تنگه هرمز، مستقیماً امنیت انرژی و ثبات اقتصادی چین، هند، ژاپن و کره جنوبی را با خطر مواجه می‌کند. به همین دلیل، این کشورها در عمل انگیزه چندانی برای همراهی کامل با راهبرد «فشار حداکثری» آمریکا ندارند و همواره تلاش کرده‌اند روابط اقتصادی خود با ایران را در چارچوبی حفظ کنند که منافع ملی آن‌ها را تأمین نماید.



1. International Energy Agency (IEA). (2026). Strait of Hormuz Factsheet. <https://databoks.katadata.co.id/en/energy/statistics/69a939dd3cc41/oil-shipping-destination-areas-via-the-strait-of-hormuz-in-2025>.
2. International Monetary Fund (IMF). (2025, July). World Economic Outlook Update. <https://www.tehrantimes.com/print/516234/IMF-doubles-Iran-s-2025-growth-forecast-despite-12-day-war-with>.
3. Luttwak, E. N. (1990). From Geopolitics to Geo-economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce. *The National Interest*, 20, 17-23.
4. Ackinder, H. J. (1904). The Geographical Pivot of History. *The Geographical Journal*, 23(4), 421-437.
5. Mahan, A. T. (1890). *The Influence of Sea Power upon History, 1660-1783*. Little, Brown and Company.
6. U.S. Energy Information Administration (EIA). (2026a, May 12). *Short-Term Energy Outlook (May 2026)*. <https://www.eia.gov/outlooks/steo/report/> (See sections: "Crude oil price forecast," "Notable Forecast Changes").
7. U.S. Energy Information Administration (EIA). (2026b, May 12). EIA updates forecast amid continued Mideast disruption; will publish new energy security datasets (Press Release No. 588). <https://www.eia.gov/pressroom/releases/press588.php>.
8. U.S. Energy Information Administration (EIA). (2026c, May 13). Oil flows through Strait of Hormuz fall nearly 30% in first quarter: EIA. <https://azertag.az/en/xeber/4187695>.